

یادداشتی از محمد ناصریراد و علیرضا شهسواری فرد؛

اساطیر یونان در ضدِ قصه های امروزی

در این یادداشت به بررسی فیلم های روز پایانی جشنواره گرن در شیراز پرداخته شده است.

به گزارش خبر، محمد ناصری راد و علیرضا شهسواری فرد منتقدان سینما در یادداشت ارسالی با موضوع "اساطیر یونان در ضدِ قصه های امروزی" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده اند؛

دیروز به تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه، سانس سوم و چهارم فیلم های کوتاه جشنواره ی فیلم کوتاه گرن با استقبالی پور شورتر از دیروز به نمایش درآمد و در ادامه ی یادداشت قبل که به چهارده فیلم سانس اول و دوم پرداختم، ضمن انتقاد دوباره از کیفیتِ افتضاح و اسفناکِ صدا و تصاویر در تالار آزادی، به بررسی سیزده فیلم سانس سوم و چهارم می پردازم.

زنده به گور / محمد زارع - حسن ابراهیمی نژاد

"اوروبوروس" - جوانی به ناچار در چرخه ای که قادر به رهایی از آن نیست گرفتار آمده و بعد از هر بار رهایی موقت از شرایط دوباره به چرخه باز میگردد. اسم فیلم از مجموعه داستانی از صادق هدایت گرفته شده که در آن جوانی در آشفتگی های فکری و روحی خود به سر برده و هر لحظه آرزوی مرگ دارد، دوربینی روی دست جوانی را در تعقیب است و جوان با دیدن فردی شبیه خود در پنجره ی روبرو حس خفگی یکسر وجودش را فرا گرفته و جان میدهد، جوان دوباره جان میگیرد و خود دیگری را از همان خود قبلی که در حال جان دادن بود را می بیند و این لوپ تا همیشه ابدی میشود. به دلیل کیفیت بد پخش فیلم اصلا جزئیات تصویری فیلم مشخص نبود.

پرومته در خواب / مسعود احمدی

"پرومته در آتش" - اسطوره پرومته که در قرن ۸ پیش از میلاد مسیح در شعر حماسی یونانی نسب نامه خدایان روایت شده و به خدای آتش شهرت دارد، کسی که دور از چشم زئوس یعنی خدای خدایان از طریق نی، آتش را به انسان میبخشد و زئوس برای مجازاتش او را به قله ی قاف در زنجیر کرده تا هر روز عقابی آمده و قلبش را خورده و دوباره زنده شود. در اینجا با فیلمی سمبلیک سر و کار داریم با استفاده از انیمیت هایی که روایتگر زاویه ی جدیدی از قصه ی پرومته است. دختری که به انتظار خواب در تلاش برای بیدار ماندن است، دختری که گویا همان آتنا معشوقه ی پرومته است و به جز دوری پرومته چیزی به او نزدیک نیست و باید برای رفع این دوری هر هفته به دیدار محبوب در بندش میرود. فیلم در پایان به آتش سوزی های زاگرس اشاره میکند و به نوعی این عمل پرومته یعنی دادن آتش به دست انسان را به یاد انتقاد میگیرد. در این فیلم سعی شده بود از لنزهای متنوع و خصوصا واید و اینسرت های متعدد با ریتمی تند، به القای مفهوم ذهنی مولف کمک کند.

قهرمان / الهام آقاری

"من میتوانم" - مستندی کوتاه که بیش از این نسخه ی بلندش را در جشنواره ی سینما حقیقت دیده بودم و این نسخه ی کوتاه موجز تر و سر راست تر از نسخه ی قبلیست، پیرزنی ۸۳ ساله و ساکن شهر شیراز که عناوین قهرمانی کشوری و آسیایی بسیاری کسب کرده و عاشق دویدن است، حالا نیاز درامتیکی دارد که باید به آن برسد. پیر زنی که با شرایط سنی اش الان دیگر رقیبی ندارد. صحنه های صحبت با پسر و عروسش کمی تصنعی روایت شده و این تصنع از چشم مخاطب تیز بین پنهان نمیشود، مستند با تدوین بابک حیدری از پایان خوبی برخوردار است. یکی از امیدهای دریافت جایزه در بخش مستند همین مستند است.

آسمان را رها کن / هادی هنرپیشه

"جنین های رها شده" - این فیلم کوتاه داستانی را هفت سال پیش در جشنواره ی فیلم کوتاه شیراز دیدم، فیلمی که دیر شروع میشود با روایتی سرگردان از زنی که بچه اش را سقط کرده و نمیداند چطور باید به شوهر خودش بگوید. بازی بازیگر مرد بسیار تصنعی، اختلاف سن زن و مرد علی رغم تعدد کارگردان بر این امر، بسیار فاحش. دوربین گیج است، الگوی روایی و حرکتی درستی نداشته و در بسیاری مواقع تصاویر تار شده و سوژه های از وضوح خارج میشوند. فیلمی آزردهنده که میخواهد با نریشن های ذهنی زن، داستان را به ما بفهماند.

روزنامه / شیوا با فهم

"تیترها ما را خواهند بلعید" - فیلمی غیر داستانی و ضدِ قصه که با استفاده از عنصر صدا، مونتاژ و چند نمای پراکنده با ایجاد فضاهای سرد و جنایت خیز در صدد ایجاد مفهومی است که انسان در عصر جدید را مفتون خود کرده است، کانسپتی به نام رسانه .

طاووس ها پرواز را نمیفهمند / علی بلندنظر - محمد ناصریراد

(یادداشتی از علیرضا شهسواری فرد)

"طاووس همیشه ناظر" - نقدی هوشمندانه به شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی از دید یک طاووس پرواز طاووس و گفتار روی تصویر به شاعرانگی این فیلم کمک شایانی کرده است. شعری غمگین از متولد شدن زیستن و خاموش شدن. چگونه یک اتهام طاووسی بی جان را به پرواز در می آورد و منجر به سقوط آن میشود؟ چگونه طاووسی بی جان میتواند باعث و بانی یک بی تدبیری و گرفتن جان افرادی در حادثه ی سیل شیراز شود؟ ساختار این مستند وام گرفته از تمامی سبک های مستند است، از مگسی روی دیوار گرفته تا گزارش های خبری، مستندهای توضیحی، بازسازی و در نهایت استفاده از قوه تخیلی که به ندرت در فیلم های مستند یافت میشود. طاووسها پرواز را نمیفهمند نمونه یک تلاقی درست از فرم و محتوایی است که از طریق نریشن هر عمل غیرواقع گرایانه ای را منطقی میسازد. تدوین سوال و جوابی و سنتز ساز از دیگر وجه تمایز این فیلم است.

من سیزیف / زهره امرالهی

"سنگ بزرگ نشانه ی نزدن" - فیلم کوتاهی که تلاش دارد گرفتاری و به تنگ آمدن شخصیتی را از طریق خرده روایت های شخصی و زناشویی اش به تصویر بکشد، این فیلم هم نظیر تعداد دیگری از فیلم های این سانس از اساطیر یونانی وام گرفته است. کارگردان در این اثر به سراغ اسطوره ی سیزیف میرود و در صحنه ی پایانی به آن اشاره میکند. (سیزیف که به علت خودبزرگ بینی و حيله گری به مجازاتی بی حاصل و بی پایان محکوم شد که در آن میبایست سنگ بزرگی را تا نزدیک قله ای ببرد و قبل از رسیدن به پایان مسیر، شاهد بازگشتیدن آن به اول مسیر باشد؛ و این چرخه تا ابد برای او ادامه داشت). گریم و بازی بازیگران چنگی به دل نمیزند، نورپردازی ها اصلا در خدمت ایجاد اتمسفر و فضاسازی در نظام تصویری برای فیلم نیست. اثری پر

ادعا، گل درشت و تو خالی با فلش فریم های غیرمرتبط .

سانس سوم فیلم ها به پایان رسید و پس از هفته ای ربع ساعته به سراغ دیدن سالن پایانی آثار نشستم.

شبی که جا ماند / فائزه کریمی

"دختری رها شده در تاریکی" - دختری که سودای استقلال دارد در شبی سرد و تاریک به وعده ی دروغ همکارش در خیابان رها میشود. فیلمی ساده و بی تکلف که از خیابان شروع شده و در خیابان پایان میپذیرد، در فیلم بالعکس فیلم های دیگر در این جشنواره کمتر از کثرت جای دوربین استفاده شده و این از محاسن فیلم میتواند باشد، بازی بازیگران نسبتا خوب و قابل قبول است، بزرگترین ضعف فیلم سر راست نبودن قصه ی آن است بطوریکه خیلی مخاطبان متوجه قصه ی آن نمیشوند و شاید اضافه کردن صحنه هایی در آغاز فیلم و پرداخت بیشتر میتوانست این مسئله را حل کند.

زنجیره های کروماتیک / احسان پورفرخ

"گام به گام تا اوج" - فیلم کوتاه زنجیره های کروماتیک روایتی ذهنی از دختریت که در گذشته اسیر مانده و همین برایش کافیتا تا نتواند تمرکز کافی را در زمان حال داشته و آینده را برایش نا ایمن کند. فیلمی با بازی خوب مهسا اسماعیل نیا که متاسفانه باز هم از کثرت جای دوربین ضربه خورده است، مسئله ای بسیار مهم که در اکثر فیلم های این جشنواره مشاهده شد و مجبورم هر بار به آن اشاره کنم. زمانیکه در اثری کارگردان، دوربین هایش را در مکان ها و زاویه های متفاوت و زیادی قرار میدهد، باعث میشود در زبان روایی خودش دچار چند دستی لحن و لکنت شده و نهایتا مخاطب به صورت ناخودآگاه متوجه آن میشود که در حال دیدن فیلم است و دست کارگردان را در اثر حس میکند. فیلم از نظر قصه گویی درست عمل میکند و مخاطب را با خود همراه کرده و درام کروماتیک وار و پله پله به اوج میرسد تا جایی که شیشه ی رفلکس اتاق بازجویی ذهنی توسط شخصیت اصلی داستان شکسته و این درست شبیه شکستن بغض است.

از قضا آیینی ی چینی شکست/خوب شد اسباب خودبینی شکست

تنها چندمتر / حجت طاهری

"فاضلاب و پرندگان" - مستندی توضیحی از زیستگاهی در مساحت محدودی در یکی بندرهای جنوبی کشور که زیستگاه پرندگان مختلف است، این مستند سعی دارد تا به بررسی گونه های جانوری و مسائل زیست محیطی این چند متر بپردازد، مستندی تلوزیونی به سفارش شبکه ی مستند، اثری خسته کننده و البته پر زحمت و سرشار از پلان های بسته از پرندگان مهاجر . شخصا معتقدم نمایش و دیدن چنین مستندهایی بدلیل برخوردار نبودن از غنای بصری و انسجام روایی در قالب سینما مناسب پرده ی سینما نبوده و مدیوم نمایش آن تلوزیون است.

قبل از تاریکی / مصیب حنایی

"بعد از تاریکی" - فیلم کوتاهی که در موقعیت مناسبی طرح ریزی و پرداخت شده است، زنی افغان میخواهد از مرز عبور کرده و خود را به اروپا برسد ولی نوزادش که از ترکه ی طالبان است مانعی بر سر راه اوست. حالا زن افغان باید تا قبل تاریکی در شهر مرزی خوی یا پولی جور کند یا کودکش را رها کند، ولی آیا زنی از شرق زمین میتواند از نوزادش صرف نظر کند؟ بی شک نه، همانطور که زن فیلم دایره ی جعفر پناهی نتوانست. فیلمی بسیار حساب شده، دقیق و سرشار از اِلمان های بصری با دوربینی سیال و جستجوگر و البته بدون نماهای اضافه، به موقع به نمای باز رفته و سر وقت به نماهای متوسط ارجاع میدهد. فیلمی داستان گو با انتخاب بازیگران درست و بازی های خیره کننده، تصویر برداری و تدوین فیلم هم بی نقص است. جلال آل احمد با مانیفست جهان وطنی، مضمون و ایده آلی است فرا مرزی که حنایی به دنبال آن در این فیلم میگردد. بی شک حنایی که اصالتا اهل زرقان شیراز و فارغ التحصیل کارگردانیست با توجه به این فیلم و کثرت شخصیت ها و موقعیتش باید در آینده ای نه چندان دور اولین فیلم بلند سینمایی اش را بسازد .

کلاب / محمد حسین آراسته

"سوتفاهم های کودکانه" - دنیای کودکان و پرداخت به این دنیا در سینما هم کار راحت و هم کاری دشوار است. از این جهت راحت که مخاطب ها قصه های کودکانه را دوست دارند و از این منظر سخت که کار با کودکان مشکلات خاص خودش را دارد، فیلم در روستایی خشک در منطقه ی کم آب و گرمسیر ساخته شده ولی تداوم لهجه و لحن در میان شخصیت های فیلم وجود ندارد. فیلم شروع خوبی دارد ولی در میانه و پایان دچار شعارزدگی میشود. بازیگر نقش اصلی تا حدودی از ایفای نقشش برآمده است ولی شخصیت پردازی درستی در فیلمنامه برای او نشده است، فیلم از نظر رنگ و نور در بسیاری مواقع دچار اختلاف رنگ و نور است. استفاده از تراک های آلبوم شهرخاموش اثر کیهان کلهر بر روی اثر کاملا بیرون زده است.

ناک اوت / امیرحسین خباززاده

سیر صعودی تا سقوط/ پسر جوانی متوجه شده که قرار است بینایی خود را از دست دهد، فیلمی متفاوت با سوژه ای سر راست، صریح و متفاوت. جوان تمرین میکند تا برای روزهای پیش رو یعنی دیدن سیاهی در دنیایش، خود را آماده کند.(گر نظر نباشد چه باک در حال آنکه سمع موجود است) جوان تمریناتش را شروع میکند اما گویا نمیتواند این موضوع را هضم کرده و حتی حضور مادر جنوبی اش که حالا پیدایش شده با بازی نه چندان خوب، نمیتواند جلوی ناک اوت شدنش را بگیرد.

شایان ذکر است اختتامیه جشنواره فیلم کوتاه گرن امروز ۱۹ اردیبهشت ماه در تالار آزادی واقع در پارک شهر شیراز با اعلام اسامی برندگان این دوره، برگزار میشود.